

در دفاع از حق کودکان



بولتن شماره ی ۱ - دوره ی دوم - ژانویه ۲۰۱۴

چهارده سال پیش (سال ۱۹۹۹) در شرایطی اقدام به انتشار خبرنامه ی «جمعیت...» کردیم که پیدا کردن اخبار موثق درباره ی وضعیت کودکان کار در ایران به سختی کاویدن زمین بود. همین امر، البته، خبررسانی از این مقوله را در سطح جهانی برای ما به یک ضرورت تبدیل کرده بود.

در سال های اخیر اما به دو دلیل متناقض که مکمل یک دیگرند، با مشکل بی خبری در مورد پدیده ی جان کاه کار و استثمار کودکان در ایران مواجه نیستیم؛ اول این که وسعت ابعاد کار کودکان تا به حدی افزایش پیدا کرده است که دیگر غیر قابل انکار است، به ویژه یکی از اشکال کار پر مخاطره ی کودکان: کار "خیابانی". دوم این که، درست به همین دلیل، به تعداد مدافعان حق کودکی هم اضافه شده است و فعالیت های مختلفی در این باره انجام می شود.

اما در زمینه ی ضرورت آغاز به کار مجدد خبرنامه ی «جمعیت الغای کار کودکان در ایران» باید به این نکات اشاره کنیم:

- اول: شروع یک کمپین بین المللی در دفاع از کودکان ایران و فراخوان آن توسط «مرکز ادبیات کودک داروگ» و «جمعیت الغای کار کودکان» است. این خبرنامه باید در ادامه ی کار خویش به گزارش گر فعالیت های این کمپین اجتماعی بدل شود.

- دوم: هنوز خبررسانی روتین و مستمری درباره ی وضعیت کودکان ایران در سطح بین المللی، علی رغم وسعت و افزایش کار کودکان و رنج فراوان آنان، صورت نمی گیرد.

- سوم: برخی اخبار و نوشته ها و بررسی ها در مورد کودکان و کار آنان در ایران ناقص و اشتباه اند.

خبرنامه ی جمعیت هدفی دو سویه دارد. از یک سو، وضعیت کودکان فراموش شده ی ایران را در سطح بین المللی منعکس می کند؛ و از سوی دیگر، مهم ترین خبرها در زمینه ی احقاق حقوق کودکان و دست آوردهای جنبش لغو کار کودک و کمپین دفاع از حق کودکی را برای هم کاران و تلاش گران این عرصه در ایران و سایر کشورهای فارسی زبان بازگو می نماید.

در اولین شماره ی خبرنامه، به بررسی برخی از مهم ترین رویداد های در مورد وضعیت کودکان در ایران در یک سال اخیر می پردازیم. و قبل از آن، فراخوان کمپینی که از آن صحبت شد را مرور می کنیم:



**GLOBAL
CAMPAIGN
AGAINST
INJUSTICE**

PROMOTING CHILD RIGHTS IN IRAN

خواست و تلاش ما لغو بی درنگ قوانین قابل سرزنش علیه کودکان ایران است!

به: سازمان جهانی کار

یونیسف

گلوبال مارش

علی رغم وجود و تصویب کنوانسیون حقوق کودک، و مقاله نامه ی ۱۸۲ کودکان ایران هنوز از مکانیسم ایمنی برای حقوق شان بر خوردار نیستند؛ مضافاً قوانین مذهبی دولت جمهوری اسلامی در تناقض با حقوق تعیین شده و استانداردهای بین المللی در زمینه ی حقوق کودکان است.

با تصویب مصوبه های ۲۲ و ۲۷ قانون به اصطلاح "حمایت از حقوق کودکان" در اکتبر سال ۲۰۱۳، جمهوری اسلامی ایران گام دیگری در زمینه ی به انقیاد کشاندن حقوق کودکان در ایران را برداشته است. اجرای این قانون توسط جمهوری اسلامی نه تنها راه را برای پدیده ی آزار جنسی کودکان و پدوفیلیسم به شیوه ای رسمی باز کرده، بلکه مفهوم آتوریتته ی معنوی والدین را نیز خدشه دار کرده است. با اجرای اصلاحات ۲۲ و ۲۷، حق ازدواج با فرزندخوانده به تصویب رسید و هم چنین امنیت هویتی فرزندخوانده زیر سؤال برده شد.

ما از تمامی نهادها، سازمانها و موسسات مدافع حقوق کودکان می خواهیم با امضای این قطع نامه، در امر لغو بی درنگ مجموعه ی قوانین کودک آزار ذیل مداخله کنند.

مطابق ماده ی ۱۲۱۰ قانون مدنی، هیچ کس را نمی توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود، مگر آن که

عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. و مطابق تبصره ی ۲ همان ماده، اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.

تبصره ۱: سن بلوغ برای پسران پانزده سال قمری (چهارده سال و هفت ماه) و برای دختران نه سال قمری (هشت سال و نه ماه) است. در زمینه ی حقوق جزایی، بر اساس تعاریف سن بلوغ برای کودکان عمل می شود و به همین دلیل مجازات اعدام و انواع دیگر مجازات ها برای کودکان زیر هجده سال وجود دارد. اما وقتی که نوبت دخالت در حاصل دسترنج کودکان می شود، این ماده می گوید: بالغ شدن شرط رشد نیست و کودک حق تصرف دستمزد خویش را ندارد.

ماده ی ۱۰۴۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی تصریح می دارد که ازدواج قبل از سن بلوغ ممنوع است. تبصره: این قانون تصریح می دارد ازدواج قبل از سن بلوغ با صلاح دید و نظر مراجع ذیربط بدون مانع است. سن قانونی ازدواج برای کودکان دختر در ایران سیزده سال است. تبصره ی ماده ی ۱۰۴۱ اجازه ی ازدواج قبل از این سن را با صلاح دید ابوبن یا مراجع دیگر بلامانع می شمارد. فقر مالی و فرهنگی بسیاری از خانواده ها در پدیده ی کودک همسری و مرگ و میر زیر هجده سالگی فجایع زیادی به بار آورده است، از جمله مرگ کودک هشت ساله ی یمنی در اثر خونریزی بعد از ازدواج در ماه های اخیر است.

– ما خواهان تعیین سن رسمی ازدواج هجده سال بر اساس استانداردهای پیش رو بین المللی و ممنوعیت کودک همسری هستیم.

ماده های ۷۹ تا ۸۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با ممنوعیت کار کودکان زیر پانزده سال است. اما طبق تبصره های ۱۶۸ و ۱۸۸ این قانون، کارگاه های خانوادگی و مجموعه ی کارهایی که کارفرماهاشان ابوبن (پدر، جدپدری) هستند، هم چنین کارگاه های کوچک و مانوفاکتورها، از این قانون معاف می باشند.

– ما خواهان اجرای کامل مقاوله نامه های ۱۸۲ و ۱۸۹ در ارتباط با کار کودکان هستیم.

طبق ماده ی ۲۲۰ مجازات کشوری، اگر کودکی توسط پدر یا پدربزرگ و جد پدری به قتل برسد، مجازات قصاص برای قاتل وجود نخواهد داشت و با پرداخت دیه و ده روز زندان آزاد می شوند. بنا به قوانین فقهی در زمینه ی تادیب، حد تنبیه کودکان عدم مردن آن هاست. ماده ی ۴۹ مجازات عمومی جمهوری اسلامی بیان می کند کودکان در صورت ارتکاب جرم از مجازات کیفری معاف هستند. و در صورت لزوم به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می شوند.

تبصره ی ۱: کودک کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد، طبق تعریف شرعی بلوغ.

تبصره ی ۲: اگر به منظور تربیت تنبیه بدنی لازم است، باید در حد متوسط باشد.

با توجه به ماده ی قانونی ۱۲۱۰، سن بلوغ برای دختران نه سال و پسران پانزده سال است. و در نتیجه طبق قانون مجازات عمومی شامل مجازات اعدام هم می شوند. «امنستی اینترناسیونال» از سال ۱۹۹۰، بیست و یک مورد اعدام زیر هجده سال را در ایران گزارش کرده است. یازده نفر از این کودکان تا رسیدن به سن هجده در زندان نگه داشته شده و بعد به قتل رسیده اند و ده نفر در حالی که زیر هجده سال بودند، اعدام شده اند.

– ما خواهان لغو قوانین کودک آزار جمهوری اسلامی از جمله قانون مدنی ۱۲۱۰ و خواهان لغو مجازات اعدام در تمامیت آن هستیم.

ماده ی ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، که تمامی دولت های امضا کننده و از جمله جمهوری اسلامی ملتزم به رعایت آن هستند، در این مورد تصریح می کند: «نه مجازات اعدام و نه حبس ابد نباید بدون امکان آزاد شدن برای کودکان زیر هجده سال وجود داشته باشد.»

– هیچ کس حق تنبیه کودکان را ندارد. آن ها نباید در زندان در کنار بزرگ ترها قرار داده شوند.

بر اساس بند ۲ ماده ی ۹۷۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی، اصل خون یا تابعیت نسبی تنها از راه پدر به رسمیت شناخته می شود. بنابراین، کودکان حاصل از ازدواج مادران ایرانی و پدران افغانستانی از تابعیت ایران محروم بوده و امکان دریافت شناسنامه ندارند. بنا به آمارهای اعلام شده، تنها در استان خراسان پنجاه و شش هزار کودک فاقد شناسنامه حاصل از ازدواج مادر ایرانی با پدر افغانستانی وجود دارد. در عین حال، بر اساس همین قوانین ارتجاعی، این گونه کودکان و نیز تمامی کودکان افغانستانی ساکن ایران از امکان تحصیل و آموزش محروم بوده و مجبور به کارهای سخت و پرمشقت در بازارهای کار ایران هستند.

– ما خواهان صدور شناسنامه برای تمامی کودکان بدون شناسنامه و ثبت هویت آنان و هم چنین تحصیل رایگان و اجباری با کیفیت بالا برای آنان هستیم.

مرکز ادبیات کودک داروگ جمعیت الغای کار کودکان در ایران

global-camping-against-injustice-promoting-child-rights-۷۷۲/۷۶۰/۵۴۹/http://www.thepetitionsite.com/in-iran

و حال برخی از مهم ترین اخبار مربوط به بی حقوقی و کار کودکان در سالی که گذشت:

حدود یک سوم جمعیت ایران را کودکان تشکیل می دهند

در سال ۹۱، بیش از نه میلیون و ۷۱۹ هزار کودک ایرانی بالای شش سال، توانایی خواندن و نوشتن نداشته اند.

- به گفته ی اداره ی بهزیستی، سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک خارج از چرخه ی تحصیل در کشور داریم که از این تعداد، یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک مستقیماً درگیر کار می باشند.

(www.rahaclinicsw.com/?p=۲۳۱&print=۱)

- بر اساس آخرین آمار منتشر شده، نزدیک به سه میلیون، یعنی ۲۲ درصد، از کودکان زیر هجده سال در ایران ترک تحصیل کرده اند. در این میان، البته کودکان افغان مهاجر به دلیل نداشتن کارت تردد، اساساً اجازه ی برخورداری از آموزش را ندارند و در این آمارها ثبت نمی شوند.

- بنا به گزارش «خبرگزاری مهر»، گروه اقتصادی در سال ۹۰، یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در ایران مستقیماً به کار مشغولند و حقوق ماهیانه ای معادل ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان دارند. در این گزارش، که ادامه ی گزارشی از سال ۸۵ است، آمده است: تعداد ۹۱۲ هزار کودک که در عرصه ی کار پر مشقت خانگی به کار مشغول بوده اند (و البته این فقط آمار رسمی است) به حساب نیامده اند. آقای دانشور، عضو اتاق بازرگانی، در این مورد می گوید: ۹۸ درصد این کودکان دختر هستند.

- در سرشماری سال ۸۵، سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک از تحصیل باز مانده بودند. اما بنا به آمار «نهضت سوادآموزی» از سال ۸۵ تا به حال، بیش از یک میلیون کودک دیگر به این آمار افزوده شده اند. در این زمینه البته خلاء

آماری وجود دارد. باید توجه داشت که بیش از نوزده میلیون و ۴۳۵ هزار از جمعیت کشور را کودکان و نوجوانان هفت تا نوزده سال تشکیل می دهند، که به گفته ی مسئولان آموزش و پرورش بیش از دوازده میلیون ۳۰۰ هزار دانش آموز در سال تحصیلی ۱۳۹۱/۱۳۹۰ ثبت نام کرده اند؛ پس با احتساب کودکان در سن آموزش، بیش از هفت میلیون از کودکان و نوجوانان کشور از تحصیل محروم هستند. در بین کودکان محروم از تحصیل، درصد کودکان دختر به پسر برابر با ۵۱ به ۴۹ درصد است.

کار به شیوه ی استاد - شاگردی

در سال های اخیر در ایران با زیر پا گذاشتن مصوبه ها و مقاله نامه های ممنوعیت کار کودکان و کنوانسیون حقوق کودک، علی رغم امضا و پذیرفتن آن، شگرد جدیدی تحت نام «استاد - شاگردی» شیوع

پیدا کرده است، که بر حسب آن از کودکان به عنوان کارآموز بهره کشی می شود. تا پیش از این شکل بهره کشی کودکان نیز با تبصری ۱۸۸ مواد ۷۹ تا ۸۴ این قانون مشمول بر معاف شمردن کارگاه های خانوادگی و کارگاه های کوچک زیر ده نفر، کودکان در سطح وسیعی در این گونه کارگاه ها به کار گرفته می شدند.

کودکان و قراردادهای موقت

این شکل از کار برای کودکان بسیار رایج است و صاحب کاران از کار کودکان به عنوان کار ارزان در مقابل کار والدین و کارگران بزرگسال سوء استفاده می کنند. آن ها می توانند کودکان کارگر را با دستمزدهای بسیار ناچیز به کار گرفته، آن ها را تنبیه یا تطمیع و یا اخراج کرده و حتا با دلایل واهی دستمزدهای ناچیز آن ها را هم نپردازند. ساعات کار کودکان تحت این گونه قراردادهای، بین دوازده تا شانزده ساعت است.

کودکان کارگر شهری

در شهرها، هزاران کودک در کوره پزخانه ها، کارگاه های صنایع دستی، قالی بافی ها، آهنگری ها، کفاشی ها، کارخانه های بلورسازی، شیشه گری، ملامین سازی، کارهای ساختمانی، کارهای دستی، تولید پوشاک، پادویی، کشاورزی و حتا در معادن و... به کار گرفته می شوند. گروهی دیگر از کودکان نیز در کارگاه هایی که وابسته به ارگان ها و موسسات دولتی هستند، کار می کنند. در بسیاری موارد در این کارخانه ها و کارگاه ها تحت فشار شدید کار قرار دارند، مورد انواع آزارها و حتا تجاوز جنسی قرار می گیرند، و به علت امکانات ایمنی کم که اغلب از آن ها دریغ می شود، دچار سانحه شده و آسیب جسمی هم می بینند. بنا به برخی از آمارها، بیش از دوازده درصد سوانح محل کار به کودکان ده تا چهارده ساله مربوط می شود.

طبق برآورد سازمان بین المللی کار، حدود پنج میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در ایران مشغول به کار هستند. («خبرگزاری هرانا»، خرداد ۸۹) به گزارش رسمی مرکز آمار، تعداد کودکان کار در کشور دو میلیون و پانصد هزار نفر تخمین زده شده است («ابتکار»، اسفند ۸۹) با این حال، فعالان حقوق کودک، شمار کودکان کار در ایران را بیش از این تخمین می زنند.

کودکان کار خیابانی

کار خیابانی به عنوان یک عرصه ی پر مخاطره از کار، بیش از یک میلیون کودک را به کام خود کشیده است. ۹۰ درصد کودکان کار خیابانی، روزها در خیابان ها کار می کنند و شب ها به خانه برمی گردند. اما «کودکان پرسه» به طور شبانه روزی در خیابان به سر می برند و ۹۹ درصد از آن ها طعمه ی باندهای مواد مخدر، قاچاق کودکان، فحشا



و بزهکاری می شوند و گاه حتا جان خود را نیز از دست می دهند.

وضعیت عمومی کودکان کار خیابانی

بنا به پژوهش هایی که فعالین دفاع از حق کودکی و سازمان هایی از جمله «یونیسف» در ایران انجام داده اند، ۵،۳۷ درصد کودکان کار خیابان از عارضه هایی مانند سر درد، گوش درد، سالک، ناراحتی کلیه، قلب، کمر درد و بیماری چشم و... رنج می برند. بخشی از این بیماری ها در اثر تصادف رانندگی در خیابان ها و میدان های شهرها به وجود می آید. از میان این کودکان، فقط ۵،۵۷ درصد امکان رفتن نیمه وقت به مدرسه و تحصیل را دارند. بنا به آمارها، پانزده درصد از این کودکان به دلیل مشکلات خانوادگی به خیابان پناه آورده اند. و ده درصد آن ها به دلیل اعتیاد والدین خود راهی کار در خیابان شده اند.

کودک آزاری

«سامانه ی اجتماعی» که فقط در تهران و چند شهر دیگر فعال است، اعلام کرده که در سال ۸۹ تعداد ۷۴۰۰ مورد کودک آزاری به ثبت رسیده است. بنا به بررسی های این مرکز، روزانه بیست کودک مورد خشونت فیزیکی قرار می گیرند، که ابعاد آن وحشت ناک است. البته باید در نظر داشت، که این آمار مربوط به حوادثی است که به طور رسمی ثبت می شوند. بسیاری از موارد کودک آزاری نه گزارش و نه ثبت می گردند.

معاون بهزیستی در امور پیش گیری از آسیب های اجتماعی در مورد پدیده ی کودک آزاری می گوید: علی رغم این که موارد کودک آزاری در سال ۸۹ تا آن جا که به ثبت برمی گردد، ۷۴۰۰ گزارش شده است، اما بیش از ۲۱۴ هزار تماس تلفنی در مورد آزار در این مرکز به ثبت رسیده است. و یازده هزار مورد دیگر نیز توسط تیم های سیار بهزیستی کشف می شوند.

علی کاشی، عضو هیات علمی پژوهشکده ی تربیت بدنی، در این مورد می گوید: بیش از ۵۰ درصد همسر آزاری ها و ۳۸ درصد از کودک آزاری ها به دلیل مصرف مواد توهم زا توسط همسر و پدر صورت می گیرد. در تحقیقی که در سال ۱۳۹۰ در این مورد صورت گرفته، اعلام شده است که ۶۶ درصد کودک آزاری ها توسط مردان انجام می شود. در این میان، دختران بیش از پسران در معرض خشونت و آزار قرار می گیرند. ۲۵ درصد کودک آزاری ها در خانواده های طلاق صورت می گیرد. ۵۰ درصد از خانواده ها متعقد به تنبیه کودک هستند و ۴۰ درصد به تنبیه بدنی کودک اعتقاد دارند. از ۹۰ درصد کودک آزاری ها در خانواده ها، ۴۸،۵ درصد توسط پدران و ۲۳،۸ درصد توسط مادران صورت می گیرد. این گزارش می گوید: در برابر هر مورد کودک آزاری که گزارش می شود، بیست مورد کودک آزاری پنهان می ماند. به این ترتیب باید گفت، تعداد کودک آزاری ۴۰۰ مورد در روز و ۱۴۶ هزار در سال است. بنا به نظر این گزارش، «به نظر می رسد جامعه به طرز وحشیانه ای از کودکان انتقام می گیرد و دق دلی های اجتماعی و اقتصادی اش را سر کودکان خالی می کند.»

ایدز، هپاتیت، بیماری های عفونی در ایران

رئیس انجمن صنفی مددکاران اجتماعی ایران از افزایش سیزده برابر آمار مبتلایان به ایدز از سال ۸۰ تاکنون خبر داد. وی گفت: در سال ۴۰۳، ۸۰ نفر به ایدز مبتلا بودند این در حالی است که در سال

جاری تعداد افرادی که وارد مرحله ی بیماری شده اند به پنج هزار و ۴۱۱ نفر رسیده است. طبق گفته ی سیدحسن موسوی چلک، در حالی آمار ایدز در ایران افزایش داشته که بر اساس آمارهای جهانی از سال ۲۰۰۵ تا حال، تعداد مبتلایان به این بیماری سی درصد کم شده است. به گفته ی وی، در حالی که در سال ۱۳۶۵، ۶۹ درصد مبتلایان از طریق سرنگ آلوده و ۱۲،۵ درصد از طریق روابط جنسی محافظت نشده به ایدز آلوده شده اند، در سال ۱۳۹۰ مبتلایان به ایدز از طریق سرنگ آلوده به ۵۲ درصد کاهش یافته، اما از طریق روابط جنسی به ۳۷ درصد افزایش یافته است.

ایدز و کودکان کار

در اولین روزهای ژانویه ۲۰۱۴، خبر شیوع بیماری ایدز و بیماری های عفونی در میان کودکان کار و خیابان در جراید داخل و به تبع آن در جراید فارسی زبان خارج از ایران مثل بمب ترکید.

نحوه ی برخورد برخی از مطبوعات و مسئولان دولتی، جدا از شوم بودن خود این پدیده، یعنی درغلطیدن کودکان بی گناه که رمق زندگی شان قبلا توسط بردگی مزدی از آن ها گرفته شده است، به معنای اضمحلال قطعی و مرگ ناگزیر این کودکان است. و در واقع، در بین خطوط نوشته و نانوشته ی آن ها، بوی به کارگیری خشونت، طرد کردن و قطع رابطه ی جامعه با این کودکان به مشام می رسد.

خبر زیر تنها نمونه ای از این گونه برخوردها می باشد:

به گزارش خبرگزاری «ایسنا»، آمار ۳۳،۲ درصدی انتقال ایدز از طریق روابط جنسی پرخطر و در این میان سهم ۶۷،۵ درصدی زنان در ابتلا از این طریق از یک سو و رشد قارچ گونه ی ایدز در کمپ های ترک اعتیاد، زندان ها و کودکان کار، البته به تعبیر وزیر بهداشت، مسئولان سلامت کشور را بر آن داشته است که بی پرده از این بیماری سخن بگویند و برای اطلاع رسانی بیش تر به جامعه و پیش گیری از انفجار مجدد مین HIV - ایدز، برداشته شدن خطوط قرمز جهت دفع خطر را خواستار شوند. در این میان شاید بحث جدیدی که تاکنون کم تر از آن شنیده باشیم، آمار HIV - ایدز در کودکان کار است؛ به طوری که چندی پیش معاون بهداشتی وزیر بهداشت بی پرده از آن سخن گفت و زنگ خطر آن را به صدا درآورد و به این ترتیب با دیدن ک فریش سر فریش اسپند دودکن فلان خیابان، این نگرانی به دل می آید که نکند که این کودک معصوم هم از قربانیان HIV - ایدز باشد.

در هر حال، سیاری، معاون وزیر بهداشت، به مطالعه ی انجام شده بر روی یک هزار کودک خیابانی در شهر تهران اشاره می کند و می گوید: «بر اساس این مطالعه، شیوع HIV - ایدز در کودکان مورد مطالعه، 45 درصد بوده است. این در حالی است که شیوع این بیماری در جمعیت عموم کشور یک دهم درصد است. بر این اساس می توان گفت شیوع این بیماری در کودکان کار و خیابانی 45 برابر جمعیت عادی است.» وزیر بهداشت نیز ضمن تایید آمارهای ارایه شده از سوی معاون خود،

تمام افراد جامعه را چک کرد، اما باید گلوگاهها حتما کنترل شوند.» خواست رسیدگی به وضعیت جسمی این کودکان و معالجه ی رایگان آن ها، حق تحصیل رایگان و اجباری برای آن ها، و تامین اقتصادی این عزیزان، کوچک ترین خواستی است که می توان در این مورد مطرح کرد.

Adress: Darvag -Box 854
101 37 Stockholm - Sweden
www.darvag.com
E.mail: darvag_darvag@yahoo.com

بولتن «جمعیت الغای کار کودکان در ایران»
مدیر مسئول: سوسن بهار
هم کاران: صابر مهدی زاده، انسیه سلمانی، داریوش افشار